

بحران اوکراین و تأثیر آن بر هندسه نظم جدید جهانی

حسین دادوند^{*۱}

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

بحران اوکراین، اگرچه به لحاظ ژئوپلیتیک، جنگ شمال-شمال و اروپا محور به شمار می‌آید، اما در عمل درگیری «قدرت جهانی» است که حول محور فروپاشی پیش‌بینی شده هژمونی جهانی ایالات متحده متمرکز شده و آشکارا صلح آمریکایی را به چالش می‌کشد. در چنین شرایطی نگرش و عملکرد بازیگران درگیر در جنگ، پیامدهای مهمی می‌تواند برای آینده سیاست جهانی در پی داشته باشد. از این رو نوشتار پیش‌رو می‌کوشد ضمن بررسی و تحلیل جنگ روسیه و اوکراین بر پایه روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریوپردازی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که سناریوهای پیش‌روی جنگ روسیه-اوکراین و پیامدهای اثرگذار آن بر آینده نظم جدید جهانی چه خواهد بود؟ این پژوهش از نوع کاربردی، روش تحقیق توصیفی تحلیلی و رویکرد تحقیق کیفی است. جمع‌آوری اطلاعات به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است و جامعه خبرگی این پژوهش برای مصاحبه شامل ۱۰ تن از صاحب‌نظران مرتبط با موضوع می‌باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سناریوی مطلوب روسیه و یکی از سناریوهای احتمالی (توافق صلح) صحبت از کنش‌گری روسیه دارد که نوعی جهت‌گیری جدید در سیاست‌های بازیگران نظام بین‌الملل ایجاد کرده است. در این سناریوها برخلاف سناریوی احتمالی (تداوم جنگ) و سناریوی ممکن (جنگ هسته‌ای)، عقیده بر آن است جنگ روسیه و اوکراین به عنوان محرک یا نقطه عطفی، باعث تغییر نظم حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل خواهد شد و نظم جدیدی از نوع تک‌قطبی به سرکردگی ایالات متحده نخواهد بود و نظام بین‌الملل وارد عصر جدیدی خواهد شد. تأثیر این جنگ، قطبی شدن امنیت بین‌الملل و ژئوپلیتیک‌تر شدن سیاست و ساختار بین‌الملل خواهد بود.

واژگان کلیدی:

بحران، اوکراین، سناریو، نظم جدید جهانی.

^۱ دانشجوی دکترای مدیریت دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.* نویسنده مسئول: Email: ho.dadvand@gmail.com

مقدمه

فرماندهی معظم کل قوا امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در خصوص بحران اوکراین می‌فرماید: «حال امروز دنیا در آستانه‌ی یک نظم جدید است. این جنگ اوکراین را به نظر من باید یک مقداری با یک دید عمیق‌تری نگاه کرد؛ این جنگ صرفاً یک حمله نظامی به یک کشور نیست. ریشه‌های این حرکتی که امروز انسان دارد در اروپا مشاهده می‌کند، ریشه‌های عمیقی است و آینده‌ای پیچیده و دشواری را انسان حدس می‌زند که وجود داشته باشد. خُب اگر فرض کنیم که این حدس ما حدس درستی باشد و دنیا در آستانه‌ی یک نظم جدید باشد، آن وقت همه‌ی کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند، حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری، که بتواند امنیت کشور را، منافع کشور را و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند. خُب اگر قرار شد که کشور بخواهد یک چنین کار بزرگی را انجام بدهد، یعنی حضور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری داشته باشد در تشکیل نظام جدید جهانی، بیشترین مسئولیت به عهده کیست؟ صفوف مقدم چه کسانی هستند؟ دانشجویها، دانشگاهیان؛ یعنی شماها باید جلوتر از همه باشید؛ شماها باید تأثیرگذارترین قشرها باشید».

پس از فروپاشی شوروی، روسیه و ایالات متحده درگیر رقابت بر سر نفوذ در حوزه خارج نزدیک روسیه شده‌اند. از چشم‌انداز مسکو، گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق، هدف تحدید نفوذ منطقه‌ای روسیه را پیگیری می‌کند. روسیه بر این باور است که در پس سیاست گسترش به شرق ناتو و اتحادیه اروپا و هم‌چنین انقلاب‌های رنگین در حوزه قفقاز و آسیای میانه، تلاش‌های ایالات متحده برای گسترش نفوذ در حوزه ژئوپلیتیکی‌اش نهفته است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷). اوکراین به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد در شرق اروپا و منطقه اوراسیا اهمیت زیادی دارد. از نظر تاریخی و مذهبی شهر کیف در مرکز اوکراین و در ساحل رودخانه دنی‌پر مرکز تمدن اسلاوی بوده است و در طول قرن‌های نهم تا سیزدهم میلادی به کانون هویت تاریخی-فرهنگی روس‌های کی‌یف تبدیل شد. از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، این کشور با قرارگرفتن در گسل ژئواستراتژیک غرب و عبور خطوط انتقال انرژی اهمیت زیادی دارد. اوکراین در حوزه‌های مختلف عرصه رقابت روسیه و غرب بوده است (کولایی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). حمله نظامی روسیه به اوکراین از یک‌سو در دوران گذار نظام بین‌الملل و تحول نظم جهانی رخ

داده و از سوی دیگر در گسل ژئواستراتژیک غرب اوراسیا و هم‌زمان با رویکردهای چین در خصوص تایوان و رقابت‌های آمریکا و چین در منطقه آسیا‌پاسیفیک در گسل ژئواستراتژیک شرق اوراسیا به وقوع پیوسته است. تلاقی این موضوعات سبب گردیده سطح جنگ فقط بین دو کشور روسیه و اوکراین باقی نمانده و برای قدرت‌های ساختاری نظام بین‌الملل اهمیت راهبردی و تعیین‌کننده‌ای پیدا نماید و به یکی از جدی‌ترین چالش‌های نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد مبدل گردد. در واقع بحران اوکراین زمانی به سمت جنگ حرکت کرد که رئیس‌جمهور روسیه از یک‌سو دو استان لوهانسک و دونتسک در شرق اوکراین را به عنوان دو جمهوری خودمختار به رسمیت شناخت و نسبت به اوکراین دعاوی تاریخی مطرح کرد و از سوی دیگر از مجلس این کشور مجوز استفاده از نیروی نظامی در خارج از روسیه را کسب کرد. این اقدامات روسیه خود گویای اجتناب‌ناپذیری جنگ بود. بدین ترتیب وجود اختلاف بین دو کشور (اوکراین و روسیه) با وجود همه گمانه‌زنی‌ها و تعلیق‌هایی که از طرف دولت روسیه صورت می‌گرفت، حالت تهاجمی به خود گرفته و سرانجام ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بامداد پنج‌شنبه بیست‌وچهارم فوریه ۲۰۲۲ (پنجم اسفند ۱۴۰۰) با صدور فرمان «عملیات نظامی ویژه» علیه کی‌یف، جنگ را آغاز کرد (صالحی و سجادی، ۱۴۰۱). در واقع از سخنان مقامات روسیه این‌گونه استنباط می‌شود که اقدامات نظامی غرب در اروپای شرقی، در سال‌های اخیر روسیه را نگران کرده است؛ چرا که کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا در سال‌های اخیر به اوکراین و کشورهای شرق اروپا کمک زیادی کرده‌اند. اما به باور برخی از تحلیل‌گران داخلی و خارجی، مسکو در شرایط فعلی به دنبال تجدیدنظر در نظم بین‌المللی است به این دلیل که ولادیمیر پوتین از ابتدا نظام تک قطبی قدرت ایالات متحده را رد کرده است. از این‌رو بسیاری از تحلیل‌گران حوزه روابط بین‌الملل و همچنین رهبران و دولت‌مردان سیاسی، جنگ اوکراین را به مثابه پایان رسمی دوران نظام تک قطبی به سرکردگی آمریکا و آغاز جنگ سردی جدید برآورد کرده‌اند که باعث به وجود آمدن جهانی چندقطبی و رقابتی‌تر خواهد شد. بنابراین شاید بتوان گفت جنگ اوکراین بخشی از مبارزه قدرت‌ها و بازیگران بین‌المللی برای شکل دادن به نظم جدید جهانی است. با این توصیف پژوهش حاضر بر آن است تا به روش آینده‌پژوهی و به‌ویژه با تأکید بر شیوه سناریونویسی، ضمن بررسی و تحلیل جنگ روسیه و اوکراین به این

پرسش بنیادین پاسخ دهد که سناریوهای پیش‌روی جنگ روسیه و اوکراین چه خواهد بود؟ و این جنگ چه تبعات و پیامدهایی برای آینده نظم جدید جهانی در پی خواهد داشت؟

مبانی نظری

بحران

بحران رویدادی است که به‌طور طبیعی به‌وسیله بشر یا به‌طور ناگهانی به وجود می‌آید و سختی را به جامعه انسانی تحمیل می‌نماید که برای برطرف‌سازی و مدیریت آن، نیاز به داشتن برنامه‌ای استراتژیک و اقدامات اضطراری و فوق‌العاده است. براساس تعریف سازمان ملل، اصطلاح «بحران» به توقف جدی فعالیت‌های جامعه گفته می‌شود که موجب تلفات انسانی، منابع یا زیست محیطی شده و تبعات آن، فراتر از توان منابع، جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صفری و عظیمی، ۱۴۰۰).

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌ای بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. این روش، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آن‌ها، آینده‌ای بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید، لذا آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۲۵).

سناریو

سناریونگاری روشی برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های مطلوب، ممکن و محتمل است. سناریو شامل تصاویری از آینده مطلوب، محتمل و ممکن است که هدف از به‌کارگیری آن‌ها مورد آزمایش قراردادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کنند، بلکه به ما کمک می‌کنند که چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیندیشیم و به تصمیم‌گیری و مدیریت آینده بپردازیم. هدف

سناریونویسی، شکستن محدودیت‌ها، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف آلترناتیوهای است که می‌تواند مدنظر ما باشد (Makridakis & Wilberlyth, 1989: 215).

نظم جدید جهانی

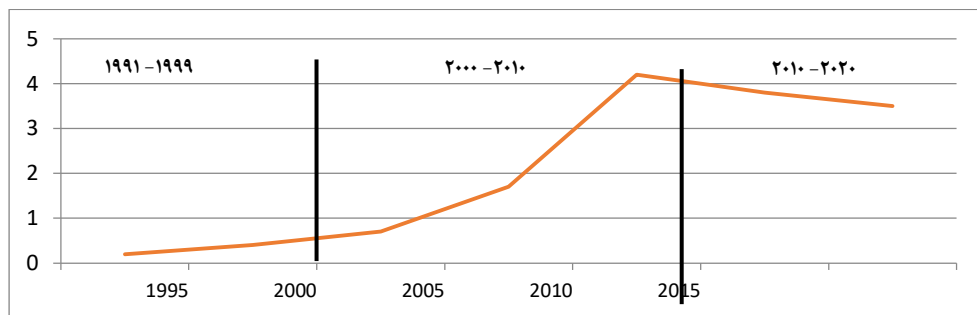
نظم جدید جهانی، دوره‌ای در موازنه قدرت و باور ایدئولوژیکی است که تحقق نظم جدید جهانی را از طریق فهم، شناسایی و رفع مشکلات جهانی، فراتر از توان واحدهای ملی میسر می‌داند. این اصطلاح به اصول «ویلسون»، «گورباچف» و «جورج هربرت واکر بوش» برای نظم پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. فرا یک‌جانبه‌گرایی گذار از این نظم جدید جهانی است (عبدالهی، ۱۳۹۷).

تاریخچه بحران اوکراین

اوکراین از سال ۱۹۹۱ میلادی از کنترل مستقیم مسکو خارج شد. در سال ۱۹۹۴ میلادی در بیانیه‌ای غیررسمی در بوداپست با میانجی‌گری آمریکا، روسیه حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را به رسمیت شناخت و اوکراین در برابر آن سلاح‌های هسته‌ای خود را به روسیه تحویل داد. موازنه شکننده میان مسکو و کی‌یف با انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ میلادی اوکراین در معرض تهدید قرار گرفت و نامزد مورد حمایت روسیه، ویکتور یانوکوویچ از نامزد مورد حمایت غرب ویکتور یوشچنکو شکست خورد (Rutland, 2015: 8). دولت جانشین تمایل داشت تا به‌جای عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توافق با اتحادیه اروپا را امضاء کند. پاسخ روسیه به این خواسته، اشغال کریمه در سال ۲۰۱۴ و حمایت از روس‌تباران در شرق و جنوب اوکراین بود. اتحادیه اروپا و آمریکا در پی این تحولات، با اخراج روسیه از گروه ۸، بلوک‌کردن دارایی‌های آن و ممنوعیت سفر مقام‌های روس، به اقدام‌های این کشور واکنش نشان دادند. همچنین کشورهای غربی تحریم‌های چندبخشی را علیه روسیه آغاز کردند که شامل بخش‌های نظامی، نفتی و مالی بود. اقدام‌های تلافی‌جویانه روسیه در این زمینه، تشدید روابط سیاسی و اقتصادی با آسیا و به‌ویژه چین بود. روس‌ها همانند گذشته که از تهدید خارجی برای تمرکز اقتصادی استفاده می‌کردند، پس از بحران اوکراین نیز این مدل را بازسازی کردند و نوعی کنترل دولتی از بالا را بر اقتصاد و به‌ویژه بر امور مالی، انرژی و دفاعی به‌کار گرفتند (ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲).

سیر تحول در راهبرد دفاعی امنیتی روسیه

راهبرد دفاعی امنیتی روسیه به تدریج از حالت تدافعی در دهه ۱۹۹۰ فاصله گرفته است و پس از طی مراحل از سال ۲۰۱۰ به بعد، به سمت تهاجمی شدن پیش رفته است. به عبارتی از الگوی راهبردی انطباقی در دهه ۱۹۹۰ به سمت الگوی اقتضایی در دهه ۲۰۰۰ و سپس الگوی آفندی در دهه ۲۰۱۰ بوده است (فلاحی، ۱۴۰۱).



نمودار (۱) هزینه‌های نظامی روسیه (بانک جهانی، ۲۰۲۱)

هزینه نظامی روسیه در سال ۱۹۹۲ حدود ۹۰۴ میلیون روبل بوده است. که طبق آخرین آمار به حدود ۴/۲ تریلیون روبل (۴۲ هزار میلیارد روبل) در سال ۲۰۱۹ رسیده است. بیشترین مقدار مربوط به سال ۲۰۱۵ با ۴/۶۴ تریلیون روبل است. شیب صعودی هزینه‌های نظامی مطابق سه بازه زمانی در نمودار بالا تفکیک شده است.

عوامل تاثیرگذار بر آینده جنگ روسیه و اوکراین

الف- اهمیت ژئوپلیتیک اوکراین

اوکراین با قرار گرفتن در جنوب غربی روسیه به گونه‌ای دروازه اصلی غرب به روسیه و برعکس است. این کشور عمق استراتژیک روسیه است و به عنوان منطقه حائل در برابر مداخله نظامی غرب به روسیه از این کشور محافظت می‌کند، همچنین اوکراین محل ترانزیت بیش از ۸۰ درصد گاز وارداتی اروپا از روسیه است و بدون حضور اوکراین و شاهراه عبوری انرژی روسیه و غرب تلاش‌های روسیه فاقد نفوذ و تاثیر ژئوپلیتیک خواهد بود. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک اوکراین به نحوی است که روسیه و غرب هر کدام به دنبال افزایش نفوذ خود و کاهش نفوذ طرف مقابل در این کشور می‌باشند. از آنجا که روسیه از نظر ساحل در تنگنای ژئوپلیتیک به سر می‌برد و سواحل مناسبی برای استقرار نیروهای دریایی خود

چه در مرزهای خود و چه در دنیا در اختیار ندارد با دست یافتن به کریمه نه تنها می‌تواند از آن به عنوان پایگاه لجستیکی برای تجهیز نیروی دریایی خود استفاده کند بلکه می‌تواند به کمک آن کنترل خود را علاوه بر دریای مدیترانه، بر سوریه و حتی منطقه خاورمیانه تحکیم کند. همچنین می‌تواند دسترسی آسان‌تری بر کانال سوئز داشته باشد؛ به این معنا که ناوگان دریایی روسیه قادر خواهد بود به دریای سرخ، خلیج عدن، اقیانوس هند و آرام دسترسی داشته باشد (Tsygan, 2015: 11).

ب- اهمیت ژئواستراتژیک اوکراین برای روسیه

پس از فروپاشی شوروی، با خروج اوکراین و جمهوری‌های بالتیک در ناحیه دریای بالتیک، عملاً خطوط دفاعی روس‌ها درون دهانه خطوط تهاجمی ناتو قرار گرفت. از این‌رو، روس‌ها تلاش نموده‌اند ضمن حفظ موازنه استراتژیک قدرت، توجه ویژه‌ای به آرایش قوا در جبهه غربی خود داشته باشند و در این میان حفظ اوکراین در حلقه دفاعی روس‌ها از اهمیت استراتژیک بالایی برای آن‌ها برخوردار بوده است (صالحی و سجادی، ۱۴۰۱). از منظر ژئواستراتژیک اوکراین در منطقه‌ای است که به آن هارتلند اطلاق شده است. تسلط بر اوکراین، بلاروس و مجموعه جمهوری‌های بالتیک واقع در شمال هارتلند، منجر به تصرف هارتلند و در نتیجه کنترل اروپای مرکزی خواهد شد. پس تصرف و کنترل هارتلند^۱ منجر به تصرف و کنترل اروپای مرکزی و کنترل اروپای مرکزی منجر به کنترل اوراسیای غربی و در نتیجه کنترل کل اوراسیا خواهد شد. علاوه بر این اشاره شد که از قدیم نقل بود که اوکراین سر روسیه است. این مسئله هم به دلیل توان اقتصادی، کشاورزی و صنعتی این کشور است. همین‌طور اوکراین به دلیل دسترسی به دریای سیاه عملاً موجب بسته شدن این دریا به روی غرب می‌شد. چیزی که پس از فروپاشی شوروی عملاً از بین رفت. نکته بعدی پس از فروپاشی شوروی و استقلال اوکراین، انتقال خط دفاعی اول روس‌ها از اوکراین به کالینینگراد بود؛ که از منظر دفاعی (به دلیل واقع شدن آن در بین اعضای ناتو) به شدت آسیب‌پذیری بالایی دارد و در یک درگیری احتمالی، احتمال از دست رفتن این منطقه بسیار زیاد است و از دست رفتن کالینینگراد^۲ به معنی کاهش تسلط روسیه به دریای بالتیک است. به بیان دیگر اوکراین در سه راهی‌ای قرار

^۱ Heartland

^۲ Kaliningrad

دارد که شمال شرق اروپا را به جنوب و جنوب را به مرکز اروپا متصل و در واقع راهی است که دریای بالتیک را به دریای سیاه اتصال می‌دهد. مورد بعدی «خط اودرنایسه»^۱ است که در زمان جنگ سرد منطقه‌ای بود که امریکایی‌ها لازم می‌دیدند برای دفاع از اروپای غربی از آن دفاع کنند. این منطقه به شدت به مرزهای غربی اوکراین نزدیک است و خود اوکراین نیز فاصله چندان زیادی با مسکو ندارد. با توجه به این مسائل طبیعی است که اوکراین برای روسیه در مرکز ثقل توجه سیاست خارجی و دکترین دفاعی و امنیتی این کشور قرار بگیرد (صالحی و سجادی، ۱۴۰۱). آموزه‌های دکترین دفاعی-امنیتی روسیه، جهان را به چهاربخش زیر تقسیم می‌کند (فلاحی، ۱۴۰۱):

۱- هسته مرکزی

۲- روسیه داخلی (جمهوری‌های خودمختار)؛

۳- کمربند خارج نزدیک (کشورهای استقلال یافته بعد از فروپاشی شوروی سابق)؛

۴- کمربند خارج دور.

اوکراین در دکترین امنیت ملی روسیه، در مرکز ثقل کمربند خارج نزدیک غربی روسیه قرار دارد. به همین دلیل طی سال‌های بعد از فروپاشی شوروی، روس‌ها نفوذ قابل توجه خود را در ساختار سیاسی، امنیتی و اقتصادی اوکراین حفظ کرده بودند.

ب- ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی)

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۲ یا ناتو، یک ائتلاف نظامی است که ۱۲ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا، کانادا، بریتانیا و فرانسه آن را در سال ۱۹۴۹ میلادی تشکیل دادند. هدف اصلی تشکیل این پیمان مقابله با تهدید روسیه برای پیشروی در اروپای دوران پس از جنگ بود. این سازمان با به‌کارگیری شورای همکاری آتلانتیک شمالی و طرح مشارکت برای صلح وارد حیات خلوت روسیه شد. اکنون این سازمان برای صلح، همه کشورهای شوروی سابق را زیر چتر طرح مشارکت ناتو در آورده است و از این راه سعی دارد به‌طور کامل به این کشورها نفوذ کند (Blum, 2014: 12).

^۱ خط اودرنایسه، مرز بین‌المللی بین آلمان و لهستان است. این مرز از پسایندهای جنگ جهانی دوم است و رودهای اودر و لوسیشین نایسه عمده این مرز را تشکیل می‌دهند.

^۲ North Atlantic Treaty Organization

ت- اختلاف روسیه با غرب

یکی از مهم‌ترین موضوعات ایجاد بروز تنش میان مسکو و غرب، بحران اوکراین است که با انضمام کریمه به روسیه به بالاترین سطح ممکن رسید. از نظر غرب اشغال کریمه توسط روسیه و حمایت این کشور از شورشیان در شرق اوکراین، نظم سیاسی جهانی را دچار چالش کرده و نقض صریح قواعد بنیادین جهانی، توسط یکی از کنش‌گران اصلی آن است، که باور بسیاری از تحلیل‌گران مداخله نظامی روسیه در اوکراین و انضمام کریمه در واقع واکنش مستقیم به توسعه سه‌گانه ناتو و اتحادیه اروپا و اقدام‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه خارج نزدیک روسیه بوده است (Gotz & Merlen, 2018: 6).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و روش تحقیق مرتبط با آن با روش توصیفی تحلیلی انطباق دارد. برای انجام این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به دو روش میدانی (مصاحبه) و کتابخانه‌ای صورت گرفته است و از آن‌جا که در فرآیند تحقیق از داده‌های کیفی استفاده شده است، بنابراین رویکرد تحقیق کیفی می‌باشد. برای این کار، ادبیات موضوع و مطالعات میدانی موثق انجام شده توسط دیگران مورد بررسی قرار گرفته و سایر اطلاعات مورد نیاز از طریق جستجوی کتابخانه‌ای، اینترنتی و بانک‌های اطلاعات داخلی و خارجی به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش برای مرحله کیفی (مصاحبه) شامل تعداد ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان مرتبط با موضوع می‌باشند که به‌نحوی در سطوح مختلف فرماندهی، مدیریتی، ستادی، آموزشی و عملیاتی فعالیت داشته‌اند. در این راستا ابزار جمع‌آوری تحقیق پیش‌رو، کتابخانه‌ای، مراجعه به اسناد، روش میدانی و مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران مرتبط با موضوع تحقیق (به روش هدفمند قضاوتی شامل ۵ تن از امرای ارتش و ۵ تن از امرای سپاه)، مصاحبه نموده که نتایج مصاحبه با استفاده از روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریوپردازی و همچنین نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA تجزیه و تحلیل و نتایج موردنظر جهت رسیدن به هدف مقاله ارائه شده است.

در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی و ارزیابی داده‌های به‌دست‌آمده از اسناد و مدارک و مصاحبه با صاحب‌نظران اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل توصیفی با رویکرد

کیفی قرار گرفت و به این صورت قبل از تجزیه و تحلیل کار دسته‌بندی، گروه‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات انجام شد. در گام اول طبقه‌بندی اطلاعات در سه سطح انجام گرفت ابتدا با پالایش داده‌ها اطلاعات زائد، مضاعف، اشتباه، مشکوک و نامربوط را حذف نموده و سپس در گام دوم با انتخاب، تمرکز و تنظیم و تبدیل داده‌های تلخیص شده اطلاعات پردازش گردید.

پیشینه‌های پژوهش

با بررسی‌های به‌عمل آمده از مراکز علمی- پژوهشی و فصلنامه‌های داخلی و خارجی، پژوهشی با موضوع پیش‌رو و یا پژوهش‌های مشابه در خصوص بحران اوکراین و تأثیر آن بر هندسه نظم جدید جهانی، یافت نشد، اما موضوعات مشابه که در خصوص جنگ روسیه و اوکراین در آن‌ها صحبت شده باشد به شرح زیر یافت گردید:

جدول (۱) پیشینه تحقیقات انجام شده

محقق	عنوان تحقیق	سال تحقیق	اهداف تحقیق
علیرضا سمیعی و سارا فرحمند	تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید	۱۴۰۱	تبیین شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید
نتایج تحقیق: مداخله و افزایش نفوذ غرب در حوزه‌های امنیت روسیه، نگرانی‌های جدی و حیاتی را برای این کشور ایجاد کرده است، از این‌رو، مسکو تصور می‌کند حوزه نفوذ و حیات خلوت این کشور روز به روز تنگ‌تر می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که درک تهدید و خطرات ناشی از تحرکات و اقدامات آمریکا و ناتو در اروپای شرقی و به‌ویژه اوکراین باعث شده است که عزم پوتین برای مقابله با پیشروی ناتو، حالت تهاجمی به خود بگیرد و در نهایت باعث حمله روسیه به اوکراین گردد.			
احسان جعفری	وضعیت ناتو از حیث سازمان داخلی بعد از جنگ اوکراین	۱۴۰۱	تبیین وضعیت ناتو از حیث سازمان داخلی بعد از جنگ اوکراین
نتایج تحقیق: نتایج تحقیق نشان می‌دهد از یک‌سو، استدلال دیدگاه طرفدار تقویت ناتو این است که ناتو به سبب تصمیم کشورها برای افزایش هزینه‌های دفاعی اروپا، اعلام تمایل کشورهایی چون سوئد و فنلاند برای پیوستن به ناتو، تقویت بیش از پیش همکاری آمریکا با ناتو و انتظار تقویت روابط انگلیس با ناتو، تقویت می‌شود؛ در حالی که دیدگاه مقابل معتقد است که ضعف کارایی بازدارندگی ناتو، نارضایتی اروپاییان از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، وجود مشکلات زیرساختی اقتصادی در ناتو و اختلاف بین اعضای اروپایی در مفهوم استقلال راهبردی اروپا، منجر به تضعیف این اتحاد نظامی، از تصمیم تا عمل خواهد شد. با این حال، در یک ارزیابی کلی باید گفت انتظار می‌رود که با طولانی شدن زمان جنگ روسیه علیه اوکراین و تأثیر نیاز اروپا به انرژی روسیه در کنار ناتوانی اروپا در مهار			

محقق	عنوان تحقیق	سال تحقیق	اهداف تحقیق
روسیه، دیدگاه دوم غالب شود.			
ولفگانگ پوزتا ^۱	ژئوپلیتیک جنگ در اوکراین	۲۰۲۲	ژئوپلیتیک جنگ در اوکراین
نتایج تحقیق: جنگ روسیه و اوکراین پیامدهای گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی دارد. این پیامدها بر ساختار نظام بین‌المللی و امنیتی‌تر شدن جهان اثرگذار خواهد بود و نظم جدیدی را رقم خواهد زد، در جنگ حاضر احتمال به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای در این جنگ نیز ممکن است.			
دیویس و اسلوبودچیکوف ^۲	رقابت قدرت بزرگ و تهاجم روسیه به اوکراین	۲۰۲۲	رقابت قدرت بزرگ و تهاجم روسیه به اوکراین
نتایج تحقیق: بیان می‌دارند حمله به اوکراین، ایجاد درگیری غیرمستقیم روسیه با آمریکا و ناتو در اوکراین است. نتیجه جنگ باعث ایجاد شرایط اقتصادی ضعیف برای غرب و متحدانش خواهد شد. این شرایط این احتمال را بیشتر می‌کند که دولت‌هایی که مستقیماً تحت تأثیر قرار نگرفته‌اند در این درگیری بی‌طرفی خود را تا آنجا که ممکن است حفظ کنند تا دچار بحران نگردند. تهاجم روسیه به اوکراین، مجدداً سیاست خارجی آمریکا را پیچیده‌تر خواهد کرد و کسب حمایت بین‌المللی از مواضع خود را دشوارتر می‌کند. واشنگتن باید رویکرد استراتژیک خود را برای رویارویی با وضعیت جدید جهانی بازنگری کند.			
آیکندبری ^۳	پایان نظم بین‌المللی لیبرال؟	۲۰۱۸	پایان نظم بین‌المللی لیبرال؟
نتایج تحقیق: ریشه اصل فرا یک‌جانبه‌گرایی پایان یافتن لیبرال دموکراسی شکننده، قطبی شده و غیرقابل تحمل است. ایکنبری این بحران را بسیار جدی و عمیق تلقی می‌کند و در این راستا به سه عامل مهم مشتمل بر گسترش دیدگاه‌های متعدد مبنی بر بازسازی و تجدید سازمان نظم جهان، ورود به قرن بیست و یکم و روند بین‌الملل شدن به‌مثابه ایدئولوژی پرداخته است.			
جمع‌بندی: مرور تحقیقات پیشین مؤید آن است که هریک از آن‌ها مفاهیمی همچون «چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید، وضعیت ناتو از حیث سازمان داخلی بعد از جنگ اوکراین، تحلیل پایداری روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا پس از بحران اوکراین، تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران، ژئوپلیتیک جنگ در اوکراین و پایان نظم بین‌المللی لیبرال» را به صورت جداگانه مورد پژوهش قرار داده‌اند و در حالی که ضروری است «بحران اوکراین و تأثیر آن بر هندسه نظم جدید جهانی» مورد واکاوی علمی قرار گیرد.			

تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها

در این مقاله، تجزیه و تحلیل کیفی بر اساس نظرات صاحب‌نظران، مطالعه منابع و داده‌های جمع‌آوری شده، انجام شده است. متن پیاده‌شده مبانی نظری و مصاحبه‌ها، از روش

¹ Wolfgang Pozetta

² Davis and Slobodchikov

³ Eikendbury

آینده‌پژوهی و تکنیک سناریونویسی و همچنین با استفاده از نرم‌افزار MAX-QDA انجام شده است. مراحل تجزیه و تحلیل به شرح زیر است:

مرحله اول: پس از بررسی مبانی نظری و بعد از انجام هر مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار یادشده، کدهای اولیه در مرحله کدگذاری باز استخراج می‌گردید. این اقدام تا بدان مرحله انجام شده که اشباع نظری صورت گرفته است. به عبارت دیگر در این تحقیق، مصاحبه با خبرگان تا زمانی انجام شده است که محقق با داده‌هایی مواجه شده است که تکراری بوده و نظرات مشابه دریافت می‌نمود. با این وجود پس از رسیدن به اشباع نظری چندین مصاحبه با خبرگان جهت تأیید اشباع نظری انجام گردید.

مرحله دوم: کدهای اولیه استخراج شده از زمان بررسی مبانی نظری و شروع مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری، عبارت‌اند از: سناریو، بازیگران، اهداف و راهبرد، روسیه، اوکراین، آمریکا و متحدان غربی، چین، ترکیه، رژیم صهیونیستی، فرانسه، ناتو، جنگ سیاسی، جنگ نظامی، جنگ اقتصادی، نظم جدید جهانی، اوضاع جهانی و منطقه‌ای، تنظیم مقررات جهانی، جابه‌جایی برتری جهان، افول هژمونی آمریکا، تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه روسیه، نقش سازنده چین در ترویج صلح، پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی، پشتیبانی اطلاعاتی، فرماندهی و کنترل، موقعیت ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواستراتژیک، تعامل با کشورهای دوست و همسو، تصمیمات راهبردی و اقدامات سیاسی، دیپلماسی سیاسی و مذاکره، تعاملات بین‌المللی، ساختار نظام بین‌الملل، لجستیک و پشتیبانی، آموزش، سیاست خارجی، سیاست موازنه و چندجانبه‌گرایی، توافق هسته‌ای، استراتژی دفاعی با اقدامات تلافی‌جویانه؛ استراتژی تشدید جنگ، گسترش ناتو در ابعاد جدید، آینده‌نگری.

مرحله سوم: در این مرحله، کدهای اولیه که از یک جنس هستند و بر اساس ارتباط معنایی‌شان می‌توانند در یک دسته قرار گیرند، به عنوان مقوله‌های اصلی تعیین می‌گردند. در این تحقیق مقوله‌های اصلی که بر مبنای ارتباط معنایی بین کدهای اولیه استخراج شده‌اند، عبارت‌اند از: بازیگران (شامل: روسیه، اوکراین، آمریکا و متحدان غربی، چین، ترکیه، رژیم صهیونیستی، فرانسه، ناتو)؛ اهداف و راهبرد هر یک از بازیگران؛

مرحله چهارم: پس از تجزیه و تحلیل نهایی، پیوندها و روابط بین سه سناریوی اصلی ذکر شده در مرحله چهارم که برگرفته از متغیرهای اثرگذار تحقیق هستند، شناسایی و تبیین گردیده است؛ بنابراین سناریوهای جنگ و روسیه و اوکراین و تأثیر آن بر هندسه نظم جدید جهانی، در قالب سه سناریوی مطلوب، احتمالی و ممکن تعیین گردیده است. به عبارت دیگر تبیین و شناسایی این عوامل در راستای رسیدن به پاسخ سؤال‌های تحقیق است.

یافته‌های تحقیق

سناریوهای مطرح در مورد آینده جنگ روسیه و اوکراین

(۱) سناریوی مطلوب: ائتلاف سیاسی - نظامی روسیه و چین، مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین المللی؛ روسیه تلاش دارد برای مقابله با طرح گسترش ناتو همکاری سیاسی نظامی و اقتصادی را با کشورهای خارج از بلوک غرب و ناراضی از نظم نوین، مانند چین که از جایگاه والایی در سیاست‌های ضد ناتوی روسیه برخوردار است بسط و توسعه دهد چرا که موضوع مخالفت با گسترش ناتو بارها از جالب چینی‌ها محکوم شده و این کشور گسترش ناتو را برنامه جدید غرب برای جلوگیری از ظهور قدرت جهانی چین تلقی کرده که قرار است توسط آمریکا طراحی و به مورد اجرا گذاشته شود. بنابراین آنچه که مواضع سیاسی روسیه و چین را در این سال‌ها بیشتر به هم نزدیک می‌کند دیدگاه مشترک دو کشور نسبت به نظام بین‌الملل و مخالفت با نظم لیبرال آمریکایی و غربی است (ثقفی‌عامری، ۱۴۰۰: ۷۵).

چین و روسیه در سال‌های اخیر با موانع و چالش‌های متعددی مانند: دخالت در امور داخلی آن‌ها، حضور نظامی - امنیتی در حوزه منافع حیاتی دو کشور در دریای چین جنوبی و کشورهای پیرامونی و خارج نزدیک روسیه، جنگ تجاری با چین و اعمال تحریم‌های گسترده علیه روسیه از جانب غرب روبرو بوده‌اند که نحوه برخورد با این موانع مسکو و پکن را بیش از پیش برای تقویت روابط راهبردی به هم نزدیک کرده است. چنانچه «وانگ‌یی» وزیر خارجه چین در خصوص افزایش سطح همکاری‌های راهبردی با روسیه معتقد است: «روسیه و چین با تلاش‌های مشترک علیه ویروس‌های سیاسی و کرونا مبارزه می‌کنند. این دو کشور سنگر محکمی برای تأمین ثبات جهانی هستند. مسکو و پکن مخالف انقلاب‌های رنگی و دخالت در امور دیگر کشورها هستند. ما آمادگی مقابله با هرگونه تلاش برای تحریف واقعیت هستیم». در

این راستا «سرگی لاوروف» نیز معتقد است: «برای ما، چین یک شریک واقعی استراتژیک و یک دوست هم‌فکر است. همکاری ما در عرصه بین‌الملل تاثیر ثابتي بر اوضاع جهانی و منطقه‌ای خواهد داشت. ما می‌خواهیم معماری روابط بین‌الملل منصفانه و دموکراتیک باشد و بتواند ثبات را تضمین کند (جوکار، ۱۴۰۰). همچنین در بیانیه‌ای مشترک وزرای امور خارجه بر مرکزیت سازمان ملل متحد در سیستم بین‌المللی تاکید کرده و از کشورها خواسته شده است به اصول چندجانبه‌گرایی باز، برابر و غیر ایدئولوژیک پای‌بند باشند. از این‌رو آن‌ها خواهان تنظیم مقررات جهانی در جایی خارج از تسلط و اراده مطلق غرب هستند. بر اساس چنین نگرشی روابط چین و روسیه در دهه اخیر از شتاب بسیار بالایی برخوردار بوده است به‌طوری که مسکو و پکن همکاری‌های راهبردی بنیادین را طی سال‌های گذشته تعریف و عملیاتی کرده‌اند؛ همکاری‌هایی که یک سر آن شراکت نظامی-امنیتی را شامل می‌شود. در این راستا نقشه راه توسعه همکاری در زمینه نظامی بین روسیه و چین برای سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ توسط «سرگئی شایکو» و «وی فنگه» وزرای دفاع فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین به تصویب رسید. بر اساس اعلام وزارت دفاع روسیه، طرفین توافق کرده‌اند تعامل بین نیروهای مسلح دو کشور را از طریق مانورهای نظامی راهبردی و گشت‌زنی مشترک افزایش دهند (Iuvmpress News, 2022). محور جهانی میان چین و روسیه ایجاد شده است. اتحادی نه مبتنی بر ایدئولوژی بلکه بر اشتراک آشکار منافع، که یک دشمن واحد (غرب به رهبری آمریکا) و یک هدف مشخص دارد و آن جابه‌جایی برتری جهانی و جایگزینی آن است. با توجه به موارد یاد شده، به نظر می‌رسد که وقوع جنگ فعلی اوکراین این مبارزه بر سر نظم جهانی آینده را سرعت ببخشد چرا که باید این بحران را به علت کنش‌گری روسیه نوعی جهت‌گیری جدید در سیاست‌های بازیگران نظام بین‌الملل قلمداد نمود، تعریف بازی جدید و تهدید سایر بازیگران برای عدم واکنش در برهم زدن بازی از طرف روسیه، مهم‌ترین شاخصی است که می‌توان به‌عنوان تاثیر بر نظم بین‌الملل از آن یاد کرد (فابری، ۱۴۰۰). بی‌گمان در چنین فضایی با توجه به همکاری استراتژیک بدون محدودیت مسکو و چین، موضع‌گیری و رویکرد چین به عنوان یک قدرت نوظهور شرقی نقش تعیین‌کننده‌ای در روند و نتایج بحران اوکراین و تشدید نظم جهانی چند قطبی خواهد داشت. از این‌رو، پکن علاوه بر مخالفت با پیش‌نویس قطعنامه‌ای در

مجمع عمومی سازمان ملل که اقدام نظامی روسیه در اوکراین را محکوم می‌کرد، گسترش ناتو را به دلیل ایجاد بحران مقصر می‌داند و غرب را به «ریختن نفت بر روی شعله» متهم می‌کند که پوتین را مجبور به اقدام نظامی علیه کی‌ف کرده است (Astrov, 2022: 13). بنابراین با توجه به تحولات شتابان در روابط روسیه و چین، تصمیمات و توافقات مهم اعلام شده که نشان از هم‌گرایی بزرگ میان مسکو و پکن در تمام مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص مقابله با هژمونی آمریکا و گسترش ناتو دارد به نظر می‌رسد. همین امر نظم بین‌الملل را وارد دوره جدیدی خواهد کرد.

(۲) سناریوی احتمالی: توافق صلح (با نقش بازیگرانی مانند: چین، ترکیه، رژیم صهیونیستی، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل / و یا تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی؛

الف- توافق صلح: مناقشه روسیه و غرب بر سر اوکراین، اروپا را در آستانه یک رویارویی نظامی خطرناک قرار داده است. بخش مهمی از کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان از اروپا تا آمریکا، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و حتی سنگاپور و تایوان تحریم‌های اقتصادی و مالی گسترده علیه روسیه اعمال کردند که تقریباً تمام جنبه‌های اقتصادی، مالی و بازارهای سرمایه، فناوری، مصرفی، هوانوردی، فرهنگ، هنر، ورزش، انرژی، صنعت، اینترنت و سرمایه‌گذاری را در بر می‌گیرد. افزون بر این، ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و آمریکا سیستم بانکی روسیه را هدف شدیدترین تحریم‌ها قرار داده‌اند، که مهم‌ترین آن‌ها تحریم دو بانک عمده «اسبربانک» و «وی‌تی‌بی»، همچنین نهاد «وینشیکونوم‌بانک» ابرشرکت خدمات مالی روسیه، به همراه تحریم بانک مرکزی روسیه و قطع دسترسی بسیاری از بانک‌های روسی به سیستم سوئیفت است. از این رو به نظر می‌رسد که، طیف کامل تحریم‌های غرب، در درازمدت به اقتصاد روسیه ضربه وارد ساخته و روسیه را برای توافق صلح تحت فشار قرار خواهد داد. بنابراین منطقی است که در صورت عدم مدیریت بحران از جانب روسیه تلاش برای میانجی‌گری جهانی را باید یکی دیگر از پیامدهای جنگ برای پایان دادن به بحران دانست (Friedman, 2022). تشکیل یک گروه چهارجانبه بین‌المللی، که شامل کشورهایمانند: چین، ترکیه، رژیم صهیونیستی و فرانسه

ممکن است در متقاعد کردن مسکو و کی‌ف به جدیت در مورد صلح کمک زیادی کند. باید عنوان کرد که در خصوص تلاش‌های برخی رهبران جهان در راستای میانجی‌گری برای متوقف شدن جنگ روسیه در اوکراین بخشی از این تحرکات دیپلماتیک به منافع آن‌ها برمی‌گردد و برخی دیگر از ترس در تنگنا قرار گرفتن خود، نمایان می‌شود. به نظر می‌رسد چین به عنوان شریک راهبردی روسیه نسبت به هر بازیگر تاثیرگذار جهانی دیگری، اهرم فشار بیشتری با روسیه و آزادی دیپلماتیک بیشتری در مانور دارد از این‌رو می‌تواند نقش کلیدی مهمی را در کاهش تنش‌ها میان مسکو و کی‌ف داشته باشد، چین، مهم‌ترین اصلی که برای میانجی‌گری هدف قرار خواهد داد صلح است. با توجه به این‌که چین به عنوان تنها عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد که مستقیماً در جنگ دخالت ندارد و موقعیت چین با توجه به پیامدهای استراتژیک و سیاسی آن برای آینده خود چین در آسیا و فراتر از آن، منافع زیادی در شکل‌دهی به نتیجه درگیری در اوکراین دارد، بنابراین چین این فرصت را دارد که به عنوان یک میانجی در مناقشه روسیه و اوکراین عمل کند و فضای بین‌المللی بیشتری را برای نقش‌سازنده خود در ترویج صلح به دست آورد (گنگ و جون، ۱۴۰۱).

ترکیه نیز یکی دیگر از بازیگران مهم و میانجی اصلی در مناقشه روسیه و اوکراین است، چرا که از یک سو یگانه کشوری است که توانست محل مذاکرات را از منطقه مرزی بلاروس منتقل کند و نمایندگان روسیه و اوکراین را دور یک میز بنشاند. از سوی دیگر در حالی که عضو ناتو است، روابط اقتصادی و انرژی قوی با روسیه دارد. ترکیه نه تنها از حمله روسیه به اوکراین به شدت انتقاد کرد، بلکه با استقلال دونتسک و لوهانسک در منطقه دونباس نیز مخالفت نشان داد و قبل از آن نیز الحاق کریمه به خاک روسیه را محکوم کرده بود، در عین حال از شرکت در تحریم‌های غرب امتناع کرده است. این چندجانبه‌گرایی ترکیه را می‌توان اهرم فشار این کشور در برخورد با بحران اوکراین و روسیه دانست که نشان‌دهنده شبکه پیچیده‌تر روابط قدرت در این عصر جهانی چند قطبی است. حال با توجه به موارد اشاره شده چرا روسیه میانجی‌گری ترکیه را می‌پذیرد؟ بی‌گمان از یک طرف به علت حاکمیت ترکیه بر تنگه‌های بسفر و داردانل، از طرف دیگر به خاطر روابط تجاری مستحکم ترکیه هم با روسیه و هم اوکراین، افزون بر این فعالیت‌های ترکیه در مرزهای جنوبی خود و آسیای میانه و قفقاز دلیل دیگر

مدارای مسکو با ترکیه است. روس‌ها می‌دانند در صورتی که در جنگ ضعیف شوند آنکارا برای توسعه فعالیت‌های خود در این مناطق درنگ نخواهد کرد و حتی مهم‌تر از آن سعی می‌کند واقعیت جدیدی در سوریه به وجود آورد، از این جهت روسی می‌کوشد روابط خود با ترکیه را همواره دوستانه نگه دارد (Chausovsky, 2022: 16). میانجی‌گری برای رژیم صهیونیستی هم حائز اهمیت است. چرا که از یک‌سو به وقوع یک جنگ در این منطقه «تنش تاریخی» دیگری میان غرب و روسیه، تل‌آویو را در منطقه پرآشوب خاورمیانه و در سایه حضور فزاینده روسیه به ویژه در سوریه در موقعیت بسیار دشواری قرار می‌دهد. از سوی دیگر به روسیه برای حفظ توافقی در داخل سوریه که به آن اجازه حمله به مواضع ایران را می‌دهد نیاز دارد، بدین ترتیب رژیم صهیونیستی انگیزه‌هایی برای ماندن در کنار روسیه دارد (بهشتی‌پور، ۱۴۰۰). تاکنون موضع دولت فرانسه این بوده است که باید بر روش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها در خصوص اوکراین تمرکز کرد، بنابراین میانجی‌گری می‌تواند به نتایج زیر منتهی شود: تحقق توافق صلح عادی‌سازی کامل روابط دیپلماتیک بین ایالات متحده و روسیه، تجدید معاهده «نیروهای هسته‌ای میان‌برد» برای کمک به مرتفع شدن نگرانی‌های امنیتی روسیه در مورد «موشک‌های تهاجمی» آمریکا در شرق اروپا از جمله بازرسی‌های روسیه از پایگاه‌های سامانه‌های دفاع موشکی زمینی آمریکایی در لهستان و رومانی، احیای شورای روسیه-ناتو و پیگیری یک معاهده مهم تغییرات اقلیمی بین ایالات متحده و روسیه و مذاکره درباره پیمان نیروهای مسلح متعارف در اروپای شرقی (تی‌پین، ۱۴۰۰). بدین ترتیب، در صورت تحقق این سناریو، پساجنگ اوکراین، نظم حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل از نوع تک قطبی به سرکردگی هژمون برتر نخواهد بود و این هدف مشترک اکثر کشورهای غیرمتحد و متحد روسیه است، چرا که آن‌ها نیز می‌خواهند به جمهوری ایالات متحده در این سیستم پایان بخشند.

ب- تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی: در صورت شکست مذاکرات و میانجی‌گری بازیگران خارجی، تداوم جنگ روسیه و اوکراین به عنوان محتمل‌ترین سناریو دور از ذهن نخواهد بود. به نظر می‌رسد که همین مسئله پیامد سنگینی چون جنگ طولانی یا فرسایشی خواهد داشت، امری که هم‌اکنون کم و بیش در جریان است (Landel, 2022). به نظر می‌رسد که اگر راه‌حلی سیاسی برای منازعه اوکراین پیدا نشود، این منازعه ممکن است

بسیار طولانی شده و جنگ فرسایشی را موجب گردد. در همین ارتباط ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه نیز هشدار داد که اگر کشورهای دیگر در جنگ مداخله کنند با حملات تلافی‌جویانه برق‌آسا روبرو خواهند شد. پوتین افزود روسیه برگ‌های زیادی برای بازی کردن دارد. او از حمله هسته‌ای نیز سخن گفته بود (Dilkoff, 2022). بنابراین می‌توان گفت که این جنگ هیچ برنده‌ای نخواهد داشت چرا که اوکراین نمی‌تواند ارتش روسیه را به عقب براند؛ از سوی دیگر روسیه حاضر به عقب‌گرد و بازگشت از اوکراین نیست و غرب نیز تضمینی مبنی بر بی‌طرفی اوکراین به روسیه نخواهد داد. از این‌رو استمرار بحران به نوعی تساوی نتیجه این بازی تلقی خواهد شد.

(۳) سناریوی ممکن: وقوع جنگ هسته‌ای؛ یکی از احتمالات ممکن در مورد آینده جنگ اوکراین و روسیه که از اهمیت کمتری از بُعد تحقق آن نسبت به سایر سناریوهای مطرح شده وجود دارد، وقوع جنگ هسته‌ای است. از آنجا که کشورهای غربی با افزایش فشار اقتصادی و نظامی خود سعی دارند توانایی روسیه برای ادامه جنگ را خدشه‌دار کرده و در نتیجه، تغییری در تصمیم وی ایجاد کنند به نظر می‌رسد حفظ موقعیت شخصی پوتین در قدرت نیز می‌تواند غرب را با چالش‌های مضاعف روبرو ساخته و پوتین را تشویق نماید تا از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند تا نشان دهد که او ترجیح می‌دهد به اقدامات افراطی متوسل شود تا این‌که از قدرت کنار برود. به نظر می‌رسد با توجه به قدرت نظامی روسیه و ادامه مقاومت اوکراینی‌ها جنگ به بن‌بست مخرب برسد و عزم روسیه را به سمت استفاده از تاکتیک‌های خشن‌تر برای رسیدن به پیروزی بیشتر کند. راه‌کنش‌هایی که استفاده از یک حمله محدود هسته‌ای هم می‌تواند بخشی از آن‌ها باشد (Bishara, 2022). اما چیزی که استفاده از سلاح‌های راه‌کنشی هسته‌ای (موشک‌های برد کوتاه زمین‌پایه با برد ۵۰۰ کیلومتر و سلاح‌های هوای پانه و دریا پایه با برد کمتر از ۶۰۰ کیلومتر) را محتمل می‌کند، پیامی است که روسیه به غرب و آمریکا می‌رساند. این‌که روسیه حاضر است برای رسیدن به اهداف استراتژیک خود دست به هر کاری بزند. چرا که کرملین ظاهراً پیامدهای بالقوه گسترش احتمالی دخالت غرب را چنان چشم‌گیر می‌داند که نیاز به ترسیم خطوط قرمز را می‌بیند. از این‌رو پوتین بارها اعلام کرده که مسأله پیوستن اوکراین به ناتو، مسئله مرگ و زندگی برای روسیه است (خبرگزاری آنا، ۱۴۰۱). از

سوی دیگر، اعلامیه فنلاند و سوئد عامل دیگری است که موجب تشدید تنش میان مسکو و غرب شده و احتمال سناریوی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را افزایش خواهد داد. چرا که پس از تغییر استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال‌های اخیر و تغییر نگرش و چرخش این کشور از سمت خاورمیانه و خلیج فارس به سوی چین و روسیه تلاش برای تقویت ناتو و یک‌دست کردن اروپا در مقابل روسیه، به منظور تضعیف یکی از این دو رقیب (روسیه) در رأس برنامه‌های راهبردی ایالات متحده قرار گرفته است. بر این اساس چنانچه سوئد و فنلاند به ناتو بپیوندند، اتحادیه اروپا در قالب ناتو بیش از گذشته خود را در مقابل روسیه قرار خواهد داد و نوعی فشار سراسری علیه مسکو در دستور کار قرار خواهد گرفت و این همان چیزی است که مقامات آمریکایی به دنبال آن هستند؛ تضعیف روسیه با هزینه هم‌پیمانان. بدین ترتیب، با گسترش ناتو و تقویت قدرت نظامی‌بخش اروپایی ناتو، شراکت اروپایی‌ها در مهار روسیه افزایش یافته و آمریکا می‌تواند با دست بازتری به مهار چین بپردازد. از این‌رو روسیه به صورت کاملاً آشکار پیوستن سوئد و فنلاند به پیمان سازمان آتلانتیک شمالی را تهدیدی جدی برای خود می‌داند و در صورت عضویت این دو کشور در ناتو، به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نه چندان دور تقابل تسلیحاتی و سیاسی میان روسیه با جبهه غرب به وقوع خواهد پیوست (مظاهری، ۱۴۰۱).

با این حال به نظر می‌رسد بازیگر اصلی رقیب، یعنی آمریکا در شرایط ضعف عمومی ناشی از شکست‌های متوالی در بحران‌های شرق مدیترانه، عراق، سوریه و افغانستان قرار دارد و حاضر به درگیر شدن در یک رویارویی مستقیم نظامی یا هسته‌ای نیست و هم‌زمان اولویت‌های ژئواستراتژیک آمریکا به سمت مهار چین (یعنی بزرگ‌ترین تهدید اقتصادی و حتی سیاسی برای آمریکا در سال‌های آتی) و تقویت روابط فراآتلانتیک (روابط آمریکا و اروپا) می‌شود که در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ به شدت آسیب دید. روی هم رفته به نظر می‌رسد که گسترش ناتو در ابعاد جدید، نه تنها امنیت و ثبات را برای کشورهای اروپایی به ارمغان نخواهد آورد بلکه با قرار دادن آنها در خط رویارویی با روسیه و تبدیل اروپا به ابزار تأمین اهداف و منافع آمریکا، توسعه سیاسی و اقتصادی اروپا را مختل کرده و منطقه شرق و شمال اروپا را به حوزه بحران خیز جدیدی در نقشه ژئوپلیتیک جهانی تبدیل خواهد کرد. با عنایت به موارد یادشده، مبانی نظری تحقیق و تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها و نتایج حاصله، در پاسخ به سؤال

اصل تحقیق مبنی بر این که «سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین و تأثیر آن بر هندسه نظم جدید جهانی چگونه است؟» سه سناریوی مطلوب، احتمالی و ممکن با در نظر گرفتن بازیگران و اهداف و راهبرد هر یک از آن بازیگران در سناریوی مربوطه مشخص گردید، که به شرح زیر می‌باشند:

جدول (۲) سناریوی مطلوب از منظر روسیه

ائتلاف سیاسی - نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین‌المللی	
بازیگران	اهداف و راهبرد
روسیه	همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی با کشورهای خارج از بلوک غرب و ناراضی از نظم نوین، تأثیر بر اوضاع جهانی و منطقه‌ای، تنظیم مقررات جهانی در خارج از تسلط اراده مطلق غرب، جابه‌جایی برتری جهان و مقابله با هژمونی آمریکا؛
چین	

جدول (۳) سناریوی احتمالی اول

(۱) توافق صلح (با نقش چین، ترکیه، رژیم صهیونیستی، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل	
بازیگران	اهداف و راهبرد
آمریکا و متحدان غربی	تحریم‌های اقتصادی و مالی گسترده علیه روسیه برای تحت فشار قرار دادن روسیه؛
چین	کسب فضای بین‌المللی بیشتر برای انجام نقش سازنده خود در ترویج صلح؛
ترکیه	استفاده از سیاست موازنه و چندجانبه‌گرایی به عنوان اهرم فشار در برخورد با بحران اوکراین و روسیه؛
رژیم صهیونیستی	قرار نگرفتن در موقعیت دشوار تنش در خاورمیانه به خصوص در سوریه، حفظ توافق در داخل سوریه جهت اجازه حمله به مواضع ایران، متقاعد کردن مسکو برای عدم احیای توافق هسته‌ای؛
فرانسه	ممانعت از جنگ و درگیری با روسیه، تأکید بر حفظ کانال‌های دیپلماتیک برای کشاندن روسیه به میز مذاکره؛

جدول (۴) سناریوی احتمالی دوم

(۲) تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی	
بازیگران	اهداف و راهبرد
اوکراین	استراتژی دفاعی با اقدامات تلافی‌جویانه؛
روسیه	استراتژی تشدید جنگ (تبدیل جنگ اعزامی به جنگ کامل)؛
ناتو	افزایش کمک‌های نظامی به اوکراین و تلاش برای به انزوا کشاندن روسیه؛

جدول (۵) سناریوی ممکن

وقوع جنگ هسته‌ای	
بازیگران	اهداف و راهبرد
روسیه	پایان دادن به بن‌بست مخرب جنگ با استفاده از راه‌کنش‌های خشن‌تر؛
آمریکا و متحدان غربی	فشار اقتصادی و نظامی بر روسیه، گسترش ناتو در ابعاد جدید (پذیرش درخواست عضویت سوئد و فنلاند)، یک‌دست کردن اروپا در مقابل روسیه با هزینه هم‌پیمانان و ایجاد تغییر در سیاست روسیه؛

نتیجه‌گیری

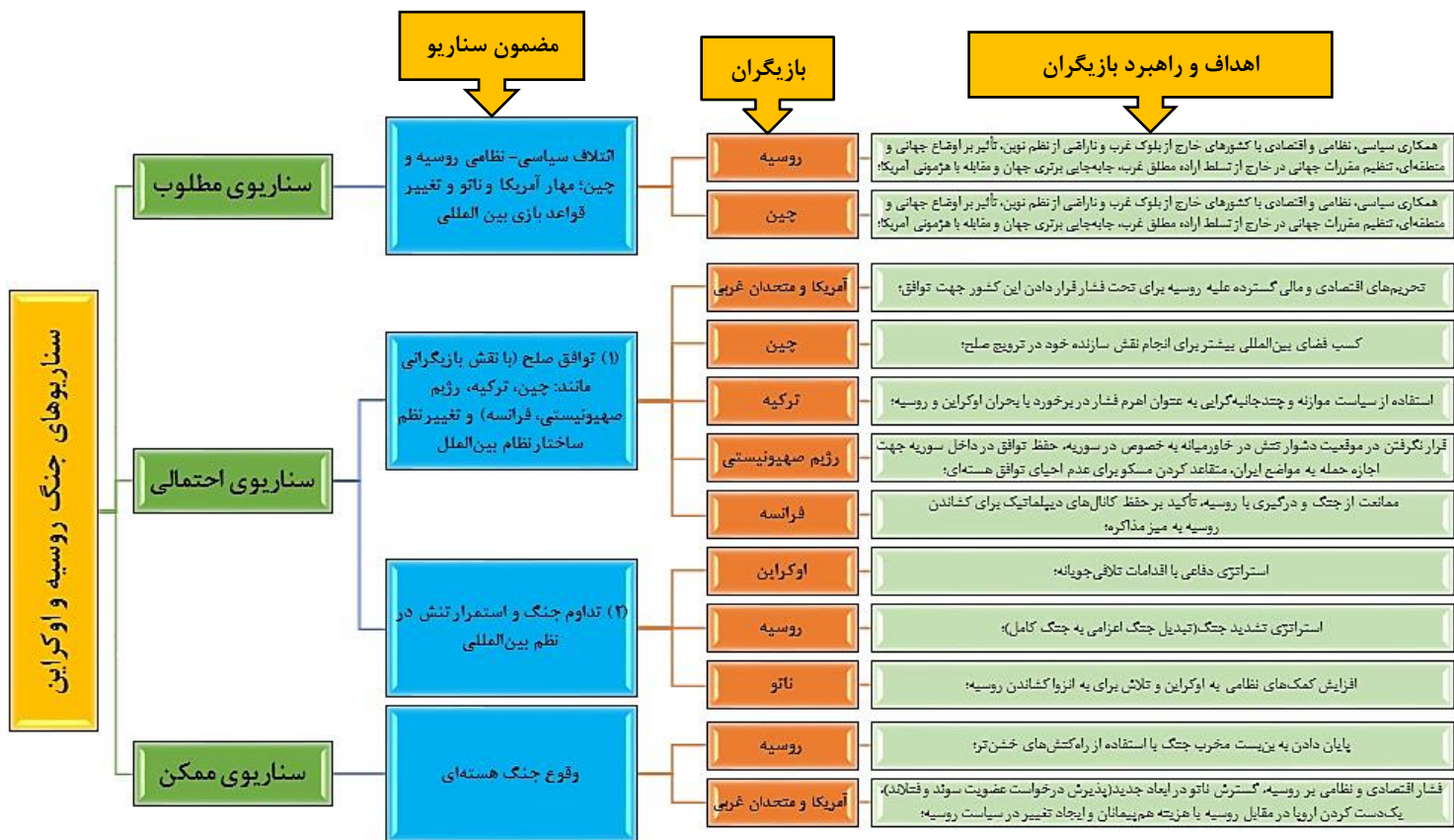
پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به این پرسش اصلی بود که سناریوهای پیش‌روی جنگ روسیه با اوکراین چه خواهد بود و این جنگ چه تأثیری بر آینده نظم جدید جهانی خواهد داشت؟ یافته‌های پژوهش بر پایه روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریونویسی و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار MAX-QDA، چهار سناریو را در قالب سه دسته‌بندی پیش‌روی ما می‌گذارد:

الف- سناریوی مطلوب روسیه: ائتلاف سیاسی- نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین‌المللی

ب- سناریوی محتمل: (۱) توافق صلح (با نقش بازیگرانی مانند: چین، ترکیه، رژیم صهیونیستی، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین‌الملل / (۲) تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین‌المللی.

پ- سناریوی ممکن: وقوع جنگ هسته‌ای

ارزیابی سناریوهای یاد شده نشان می‌دهد که یکی از سناریوهای محتملی که در جنگ اوکراین، روسیه و غرب به سرکردگی آمریکا تجربه خواهند کرد «تداوم جنگ» است. در این سناریو تنش در نظم بین‌المللی ادامه خواهد داشت چرا که روسیه جنگ را آغاز کرده اما به علت شکست در هدایت ستون نظامی به استفاده از استراتژی تشدید جنگ روی آورده است.



شکل (۱) سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین براساس یافته‌های تحقیق (شامل: سناریو، بازیگران، اهداف و راهبرد هر یک از بازیگران)

اما این استراتژی با مقاومت گسترده مردم و عملکرد مناسب ارتش اوکراین و برخورد یکپارچه و متحد غرب و آمریکا یعنی تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و تأمین تسلیحات تهاجمی سنگین اوکراین مواجه شده است. در این سناریو از آنجا که اوکراین نمی‌تواند ارتش روسیه را عقب براند و نه روسیه حاضر به عقب‌گرد از اوکراین است و نه غرب تضمینی بر بی‌طرفی اوکراین به روسیه نخواهد داد، از این‌رو نتیجه این روند جنگ فرسایشی و طولانی‌مدت خواهد بود. اگرچه سناریوی «ممکن» در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با ادامه مقاومت اوکراینی‌ها جنگ به بن‌بست مخرب رسیده و با گسترش ناتو در ابعاد جدید، عزم روسیه را به سمت استفاده از راه‌کنش‌های خشن‌تر (برای نمونه بهره‌گیری از سلاح هسته‌ای) برای رسیدن به پیروزی بیشتر خواهد کرد. با این حال، سناریوی مطلوب روسیه و یکی از سناریوهای احتمالی (توافق صلح) صحبت از کنش‌گری روسیه دارد که نوعی جهت‌گیری جدید در سیاست‌های بازیگران نظام بین‌الملل ایجاد کرده است. در این سناریوها برخلاف سناریوی احتمالی (تداوم جنگ) و سناریوی ممکن (جنگ هسته‌ای)، عقیده بر آن است جنگ روسیه و اوکراین به عنوان محرک یا نقطه عطفی باعث تغییر نظم حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل خواهد شد و نظم جدید از نوع تک قطبی به سرکردگی ایالات متحده نخواهد بود. بنابراین با توجه به ابهام و عدم شفافیت در بازه زمانی بحران گرچه مشخص نیست که تحولات آینده جنگ اوکراین و روسیه بر کدام رویکرد پیش خواهد رفت، اما روی هم رفته می‌توان گفت که پس از جنگ اوکراین، نظام بین‌الملل وارد عصر جدیدی خواهد شد. تأثیر این حمله در سطح بین‌الملل، قطبی شدن بیش از پیش امنیت بین‌الملل و ژئوپلیتیک‌تر شدن سیاست بین‌الملل خواهد بود. این تحولات اگرچه سبب توفیق رویکرد ژئوپلیتیک در اروپا شده، اما با برجسته کردن اهمیت اتحاد فراآتلانتیکی، خودمختاری استراتژیک اروپایی را تضعیف کرده است. این حمله همچنین، موقعیت رهبری ایالات متحده در سطح جهان را به هزینه شرکای اروپایی آن تقویت نموده است. در نهایت، می‌توان گفت جنگ اوکراین بیشتر به رقابت آمریکا و چین، بازتعریف نقش روسیه در سیاست جهانی و چگونگی سازگاری ژئوپلیتیک جایگاه اروپا در صحنه روابط بین‌المللی مربوط می‌شود. این جنگ روندی که مدت‌هاست در صحنه جهانی آغاز شده را سرعت بخشیده است. در این میان، مسئله جدید و متفاوت، روشی است که اکنون روسیه، چین و سایر کشورها در پیش

گرفته‌اند. در مجموع شاید این پیش‌بینی «استفان والت» درست از آب درآید که آینده در حال ظهور، نه یک «نظم لیبرال» آمریکایی‌محور خواهد بود و نه یک «نظم اقتدارگرایی» چینی‌محور، بلکه هر یک از این دو قدرت بزرگ نظم‌هایی را هدایت خواهند کرد که دربرگیرنده کشورهای است که دارای راهبرد و ارزش‌های مشترکی هستند.

پیشنهادهای

الف- پیشنهادهای اجرایی

با عنایت به مطالب یاد شده و نتایج به دست آمده از این نوشتار، موارد زیر به عنوان پیشنهادهای اجرایی ارائه می‌گردد:

(۱) توجه به ابعاد و سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین و اتخاذ تدابیر و راهبردهای مناسب مرتبط با سناریوهای مطرح شده.

(۲) بهره‌برداری و به‌کارگیری تجربیات و شرایط جنگ روسیه و اوکراین و لحاظ نمودن آن‌ها در راهبردهای سیاسی، اقتصادی و دفاعی-امنیتی.

(۳) همکاری و انجام اقدامات جدی در زمینه خرید تسلیحات از روسیه و نوسازی تجهیزات.

(۴) با توجه به تشدید اختلاف‌نظرها میان روسیه و غرب، ایران می‌تواند از ظرفیت روسیه در پرونده‌هایی همچون سوریه و... استفاده کند. حتی این ظرفیت در زمینه مقابله با رژیم صهیونیستی نیز امکان‌پذیر است.

(۵) تعامل و کنش‌گری فعال ج.ا. ایران در منطقه غرب آسیا و انجام اقدامات راهبردی در راستای کاهش تنش‌ها در منطقه و...

(۶) مشارکت متوازن و راهبردی با روسیه و چین در مناطق جغرافیای سیاسی بحران خیز مانند غرب آسیا.

(۷) همکاری اقتصادی با روسیه و چین در قالب ابتکارت چندجانبه مانند: اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگ‌های.

(۸) مشارکت بهینه با روسیه و چین در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تنظیم قراردادهای راهبردی و بلندمدت به منظور مقابله با یک‌جانبه‌گرایی.

۹) تنظیم راهبردهای جدیدی با روسیه در منطقه آسیای میانه و فراهم نمودن فرصت‌های جدید در زمینه‌های مختلف.

۱۰) بررسی و شناخت ابعاد جنگ روسیه و اوکراین و بهره‌برداری از درس‌آموخته‌های آن در راهبردهای نظامی، دفاعی - امنیتی و صنایع دفاعی کشور.

۱۱) در زمینه کاستن نظامی شدن دریای خزر و همچنین حل مسأله رژیم حقوقی دریای خزر می‌توان با روس‌ها همکاری‌های بیشتری داشت.

ب- پیشنهادهای تحقیقاتی

۱) تدوین راهبردهای دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران متناسب با سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین.

۲) تدوین راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین.

۳) بررسی سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ج.ا. ایران.

۴) تدوین درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا ۲۰۲۳.

قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از داوران محترم به پاس نکات ارزشمندشان در راستای ارتقای سطح کیفی مقاله و همچنین کلیه افرادی که در فرآیند انجام تحقیق، همکاری و مشارکت داشتند، سپاس‌گزاری نمایند.

منابع

- بهشتی‌پور، حسن. (۱۴۰۰). اهداف سفر بنت به روسیه، تهران: روابط راهبردی خارجی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
- تی‌پین، دیوید. (۱۴۰۰). جنگ اوکراین پایان، تهران: اقتصاد امروز.
- جعفری‌فر، احسان. (۱۴۰۱). وضعیت ناتو از حیث سازمان داخلی بعد از جنگ اوکراین، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۸۹(۶۷): ۵۴-۲۵.
- جوکار، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). روسیه و چین رقابت دوستانه اهداف راهبردی، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۴: ۷۳-۵۱.
- دتش، جک. (۱۴۰۱). محاسبات اشتباه پوتین، تهران: دیپلماسی ایرانی.

- سمیعی اصفهانی، علیرضا و فرحمند، سارا. (۱۴۰۱). تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید، تهران: فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۲(۴۶): ۴۵-۱۸.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ شفیعی سیف‌آبادی، محسن. (۱۳۹۱). آینده گروهک‌های تکفیری و راه‌کارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق، تهران: فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، ۴(۱۴): ۶۱-۳۹.
- صالحی، حمید و سجادی، مرضیه سادات. (۱۴۰۱). مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)، تهران: فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ۱۴(۳): ۷۴-۴۵.
- صباغیان، علی و رسولی، رویا. (۱۴۰۰). تحلیل پایداری روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا پس از بحران اوکراین از دیدگاه نظریه وابستگی متقابل، تهران: فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۴(۱): ۲۰۱-۱۷۷.
- عبدالمهی، محسن. (۱۳۹۷). چالش‌های اساسی در گذار از نظم نوین جهانی: فرا یک‌جانبه‌گرایی و ظهور چین در نقش قدرت جدید، تهران: وزارت خارجه ج.ا. ایران.
- عمادی، سینا. (۱۴۰۰). بحران اوکراین و آینده نظم بین‌الملل، تهران: دیپلماسی ایرانی.
- فابری، روبرت. (۱۴۰۰). اتحاد چین و روسیه در برابر دموکراسی غربی، تهران: دیپلماسی ایرانی.
- فلاحی، احسان. (۱۴۰۱). سیر تحول در راهبرد دفاعی امنیتی روسیه از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ بر اساس الگوهای راهبردی در مدل SWOT، تهران: فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۶(۲۱): ۱۹۰-۱۶۱.
- کولایی، الهه. (۱۳۸۴). افسانه انقلاب‌های رنگی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کولایی، الهه و روا، سارا. (۱۳۹۴). عوامل دگرگونی آیین نظامی فدراسیون روسیه، تهران: فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۳): ۱۵۹-۱۳۳.
- گنگ، چان و جون، هی. (۱۴۰۱). میانجی‌گری چین در پرونده اوکراین، ترجمه: علی کامرانی، تهران: دیپلماسی ایرانی.
- متولیان، سید عبدالله. (۱۴۰۰). جایگاه ایران در نظم جدید جهانی، تهران: جوان آنلاین.
- محمدمراد، رضا. (۱۴۰۱). کم‌کم ۳۳ میلیارد دلاری آمریکا برای ادامه جنگ اوکراین، تهران: خبرگزاری صدا و سیما ج.ا. ایران.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۲). بحران اوکراین و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای، تهران: مجله سیاست جهانی، ۴(۶): ۳۴-۱۷.

- مظاهری، محمدمهدی. (۱۴۰۱). عضویت سوئد و فنلاند در ناتو، تهران: اقتصاد امروز.
- مظفری، علی. (۱۳۸۸). آینده پژوهی بستر عبور از مرزهای دانش، تهران: پژوهش‌نامه نظم و امنیت/انتظامی، ۱(۴): ۴۷-۲۵.
- ناصرآبادی، زهرا. (۱۳۷۹). آینده پژوهی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران: مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، ص ۲۵.
- نونزاد، محمد و کریمی، مرتضی. (۱۳۹۷). تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران، تهران: مطالعات روابط بین الملل (پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل)، ۱۱(۴۱): ۱۷۵-۱۴۵.
- ولیزاده، اکبر؛ شیرازی، سیمین و موگویی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین بر روابط روسیه و ایالات متحده، تهران: مطالعات اوراسیای مرکزی، ۸(۱): ۱۷۱-۱۴۹.
- Anderson, T. (2020). *Axis Of Resistance: Towards An Independent Middle East*, Clarity Press, Inc.
- Astrov, V. et al. (2022). *Possible Russian Invasion of Ukraine, Scenarios for Sanctions, and Likely Economic Impact on Russia, Ukraine and the EU*.
- Blum, W. (2014). *The Myth of Soviet Expansionism*, Foreign Policy Journal.
- Bishara, M. (2022). *Russia's war and peace scenarios in Ukraine And the unique role of an unlikely mediator, China*.
- Chausovsky, E. (2022). *The Russia-Ukraine Conflict: Accelerating a Multi-Polar World*.
- Friedman, T. (2022). *I See Three Scenarios for How This War Ends*.
- Gotz, E. and Merlen, C. (2018). *Russia and Question of World Order*, European Politics and Society, pp 1-21.
- Horovitz, L. and Wachs, L. (2022). *Russia's Nuclear Threats in the War against Ukraine*.
- Isachenkov, V. (2014). *New Russian Military Doctrine Says NATO Top Threat*, The Washington Times, 26 December.
- Inbar, E. (2013). *The Arab Spring, Democracy And Security: Domestic And International Ramifications*, Routledge.
- Landel, J. (2022). *Ukraine: How might the war end? Five scenarios*.
- Koziej, S. (2022). *Russia-Ukraine war: Scenarios*.
- Moshes, A. (2015). *"Ukraine and Russia: A Chronic Crisis"*.

-
- New York Times. (2015). *UN Rights Office: Death Toll in Eastern Ukraine Passes 4,222*.
 - Putin, V. (12july2021). "Article by Vladimir Putin on the Historical Unity of Russians and Archived from.
 - Rutland, P. (2015). *An Unnecessary War: The Geopolitical Roots of the Ukraine Crisis*.
 - The Military Doctrine of the Russian Federation (2015). *Theatrum Belli*.